

## رکوع

۲۷۹

«شرح حال سازنده رصد وقت وساعت یزد خلیل بن ابوبکر آملی»، فرهنگ یزد، سال ۲، ش ۶ و ۷ (بهار و تابستان ۱۳۷۹)؛ محمد مفیدین محمود مستوفی بافقی، جامع مفیدی، چاپ ایرج افشار، تهران ۱۳۴۰-۱۳۴۲ ش، چاپ افس ۱۳۸۵ ش؛ محمد حسن میرحسینی، «نکته‌هایی از وقف‌نامه جامع الخیرات»، فرهنگ، سال ۱۸، ش ۴ (زمستان ۱۳۸۴)؛ محمدرضا نوربخش، «ساعت مکانیکی در ایران»، آینده، سال ۱۳، ش ۶ و ۷ (شهریور و مهر ۱۳۶۶)؛ علی یزدانی‌راد، «[دربارۀ] جامع الخیرات: [وقفنامه سید رکن‌الدین]»، فرهنگ یزد، ش ۲۰ (بلیز ۱۳۸۳)؛ یزد نگین کویر: مجموعه اطلاعات و راهنمای سیاحتی، دفتر نخست، یزد انجمن کتابخانه‌های عمومی یزد، ۱۳۷۵ ش؛

Arthur Upham Pope, *A survey of Persian art*, Tehran 1977; Donald Newton Wilber, *The architecture of Islamic Iran: the Ilkhanid period*, New York 1969.

/ عبدالکریم عطارزاده /

**رکوع**، از واجبات و ارکان نماز. واژه رکوع از ریشه «رکع» به معنای خم و منحنی شدن و خضوع کردن است (ع جوهری؛ ابن فارس؛ ابن منظور، ذیل «رکع»). هرچند این واژه در قرآن نیامده، مشتقات آن مانند ارکعوا و راکعوا در قرآن به کار رفته است. در برخی از این آیات مؤمنان مأمور شده‌اند که رکوع به جای آورند (برای نمونه ع بقره: ۴۳؛ حج: ۷۷). به نظر مفسران در برخی از این آیات، مراد از امر به رکوع، به‌جا آوردن نماز است (برای نمونه ع طوسی، التبیان، ذیل بقره: ۴۳، حج: ۷۷، مراسلات: ۴۸). در شماری از احادیث نقل شده است که پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان شیعه علیهم‌السلام، در هنگام عبادت، رکوعهای طولانی به‌جا می‌آوردند و شیعیان را به رکوع طولانی توصیه می‌کردند و آن را موجب خشم ابلیس می‌دانستند (برای نمونه ع برقی، ج ۱، ص ۱۸؛ کلینی، ج ۲، ص ۷۷؛ هاشمی، ج ۲، ص ۲۰۸؛ نوری، ج ۴، ص ۴۳۹-۴۴۰).

در اصطلاح فقیهان، رکوع خم شدن به سمت جلو است، به گونه‌ای که فرد عادی بتواند انگشتان دست، از جمله انگشت ابهام، را بر زانوهایش بگذارد یا به آن برساند. برخی بر آن‌اند که رکوع آن است که حالت شخص بیشتر به خم شدن نزدیک باشد تا ایستادن (ع سحتون، ج ۱، جزء ۱، ص ۷۰؛ نوری، المجموع، ج ۳، ص ۲۹۷؛ بهوتی حنبلی، ج ۱، ص ۴۱۶؛ نیجفی، ج ۱۰، ص ۶۹-۷۰؛ قس سرخسی، ج ۱، ص ۱۸۹ که خم شدن را به اندازه‌ای که در عرف رکوع به‌شمار رود، کافی دانسته است). در رکوع کامل، از نظر فقها، پشت و سر رکوع‌کننده در یک خط افقی قرار می‌گیرد (برای نمونه ع شافعی، ج ۱، ص ۱۳۴؛ بحرانی، ج ۶، ص ۶۸). رکوع جزء اصلی هر رکعت

رومی نشان می‌داد. درون عمارت رصد، ظرفی مسین بود با ارتفاع دو بالای آدمی که هم‌روزه آن را از آب پر می‌کردند. لنگری بر سطح آب شناور بود که با زنجیر و طنابهایی به قسمتهای دیگر ساعت متصل شده بود. با خارج شدن تدریجی آب از انتهای ظرف، لنگر با سرعتی یکنواخت پایین می‌رفت و زنجیر و طنابها را با خود می‌کشید. زنجیر و طنابها نیز به نوبه خود اجزای دیگر ساعت را به حرکت درمی‌آوردند تا ساعات شبانه‌روز را نشان دهند. گویا بعضی از این کارها خودکار بوده و بعضی را نیز خادمان انجام می‌داده‌اند (ع «جامع الخیرات»، ص ۴۱۱؛ جعفری، ص ۱۰۳-۱۰۴؛ کاتب‌یزدی، ص ۱۲۳-۱۲۵)؛ نیز ع نوربخش، ص ۳۹۶-۳۹۷). به سبب وجود همین تأسیسات، میدان نزدیک رکنیه و این محله را «وقت وساعت» یا «وقت ساعت» می‌خوانند. گاه مدرسه رکنیه را نیز «مسجد وقت وساعت» خوانده‌اند (ع افشار، همانجا؛ نیز ع پوپ، ج ۳، ص ۱۰۸۹؛ ویلیز، ص ۱۶۰).

از دیگر بناهای مجموعه رکنیه کتابخانه‌ای بود در کنار مدرسه با سه هزار جلد کتاب که منارج آن از موقوفات تأمین می‌شد. این بنا در قرن یازدهم، رو به ویرانی نهاده بوده و از کتابها و موقوفات آن اثری نبوده است. در کنار مدرسه، دارالشفایی هم با کاشی‌کاری و درگاهی بلند وجود داشته است (ع «جامع الخیرات»، ص ۴۱۰؛ کاتب‌یزدی، ص ۱۲۵؛ مستوفی بافقی، ج ۳، ص ۵۵۸، ۶۵۵).

جامع الخیرات وقفنامه بناهای عام‌المنفعه پرشماری است که سیدرکن‌الدین و پسرش سیدشمس‌الدین در یزد، اصفهان، ابرقو، کازرون، قم و کاشان ساخته‌اند؛ در این وقفنامه، جایگاه مدرسه رکنیه در رأس سایر بناهاست. متولیان سایر بناها زیر نظر متولی آن عمل می‌کرده‌اند و در صورت لزوم، درآمدهای موقوفات دیگر واقف صرف آن می‌شده است. به همین سبب، جامع الخیرات را وقفنامه رکنیه دانسته‌اند (ع افشار، ج ۲، ص ۳۹۰-۳۹۱، ۵۵۸؛ یزدانی‌راد، ص ۴۶-۴۹؛ میرحسینی، ص ۱۶۴-۱۶۵).

منابع: ابن‌عبّ، الفصول الفخریه، چاپ جلال‌الدین محدث ارموی، تهران ۱۳۶۳ ش؛ ایرج افشار، یادگارهای یزد، تهران ۱۳۴۸-۱۳۵۴ ش؛ ناصر بازوکی‌طرودی و عبدالکریم شادمهر، آثار ثبت‌شده ایران در فهرست آثار ملی، از ۱۳۱۰/۶/۲۴ تا ۱۳۸۴/۶/۲۴، تهران ۱۳۸۴ ش؛ «جامع الخیرات: وقفنامه سیدرکن‌الدین»، در ایرج افشار، یادگارهای یزد، ج ۲، تهران ۱۳۵۴ ش؛ جعفرین محمد جعفری، تاریخ یزد، چاپ ایرج افشار، تهران ۱۳۴۳ ش؛ مهدی فرشاد، تاریخ علم در ایران، تهران ۱۳۶۶-۱۳۶۵ ش؛ نیکول فریدی، خورشید ایران: استان یزد، به کوشش هوشنگ فتحی، [تهران] ۱۳۷۶ ش؛ احمدبن حسین کاتب یزدی، تاریخ جدید یزد، چاپ ایرج افشار، تهران ۱۳۵۷ ش؛ نادر گریعیان سردشتی،

RUKU

Namaz

- Rukudan başarı kalbdiriyinde söylenecek olan şey
- Rukuda söylenecek olan
- Rukuda kurlan olumaktan Nehiy

Nevevi Şerhu'l-Muslim c.5.192

FKH

Rükû

Alusi, Rukuh Meâni, II, 157

DIA KTP 297-211

ALU-R

Rükûc

- Rükûc'da elleri dizlere koymak

Nevevi, Şerhu'l-Muslim, c.5 s.15

Rukū  
الركوع

ibn Taymiyye, Meimūn fetāwā,  
c.VI, s. 265

237.55  
TEY.M

RUKŪC

- Genel olarak
- İbn gelinin Manūzā-yet-tiswāi fāin şarihine uzatmak

ibn Abidin c.I s. 447, 490

Rükû

FKH

- Rükû'da otur

Saynî, Unvan c.5-s.130

— ۸۸۴ ص صلاح الدين العلامى، خليل بن كحلدي، ۲۰۱۱

— نظم الفوائد لما تضمنته حديث ذي اليسين من الفوائد / تصنيف ابي سعيد صلاح الدين خليل بن كحلدي العلامى؛

حققه و علق عليه بدر بن عبد الله البدر. - ۱. ط. - الدمام:

دار ابن الجوزي، ۱۴۱۶ هـ، ۱۹۹۵ م.

— ۴۶۴ ص: مثليات ۲۵ سم

— حديث ذي اليسين الخاص بسهو النبي صلى الله

عليه و سلم و ما فيه من الفوائد فقد نظمه المؤلف ثم

شرحه شرحا مستفيضا تضمنه هذا الكتاب.

— ۱. الصلاة. ۲. المسجود. ۳. الحديث - تخريج.

— آ. البدر، بدر بن عبد الله، محقق ب. العنوان

Alai  
Ruku

MADDE YAYIMLANDIKTAN  
SONRA GELEN DOKÜMAN

01 Ocak 2016

(140105) Nemat  
(170526) Rukû  
(180583) Seade

أذكار وأدعية الركوع والسجود والرفع منها (في الصلاة)

رواية ودراية

عبد الرحمن بن عبد الكريم الزيد\*

جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية

(قدم للنشر في 10/10/1433هـ؛ وقبل للنشر في 12/11/1433هـ)

المستخلص: الصلاة عمود الدين، وأول ما يجاسب عنه العبد، فجاء هذا البحث، ليعتني بجمع الأحاديث الواردة في أذكار وأدعية ركنين عظيمين منها، هما: الركوع والسجود، والرفع منها، وتخريج الأحاديث بعزوها إلى مصادرها من كتب السنة الأصلية، وذكر أسانيدها ودرجتها وكلام أهل العلم فيها، إضافة لشرح غريب الألفاظ فيها، وذكر ما يتعلق بها من فقه وفوائد.

الكلمات المفتاحية: أذكار، الركوع، السجود، تخريج، مفردات، فوائد، فقه.

## Remembrance of Allah and Supplications in *Rukuu'* (Bowling) and *Sujuud* (Prostrating) in Prayers: Narratives and Texts

Abdulrahman Ibn-Abdulkareem Al-Zaid\*

Imam Mohammad Ibn-Saud Islamic University

(Received 28/08/2012; accepted for publication 28/09/2012.)

**Abstract:** This study is concerned with gathering the Hadiths on what can be said as remembrance and as prayers in the *rukuu'* and *sujuud* positions and when straightening from both. The Hadiths are documented in terms of sources in original Sunnah references, chain of narrations; Hadith ranks; and related views of religious scholars. Also, the study explains the meanings of unfamiliar terms in the Hadiths in question, and it mentions the underlying jurisprudential points as well as beneficial implications.

**Keywords:** remembrance; supplications/ prayer; *rukuu'* (bowling); *sujuud*; jurisprudence; and documentation.

(\*) Associate Professor, Department of Sunnah, College of osol aldean,

Imam Mohammad Ibn-Saud Islamic University

Riyadh, Saudi Arabia, p.o box: 1799, Postal Code:49411

(\*) أستاذ مشارك بقسم السنة، كلية أصول الدين،

جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية

الرياض، المملكة العربية السعودية، ص.ب. (1799)، الرمز (49411)

البريد الإلكتروني: abokarmi@hotmail.com

رکنی

از این کار یادداشت تا هنر خود را به عرصه‌های اجتماعی برد که نمی‌توانست کار و هنر به راستی قوی و بی‌نظیر و پراحساس و متین و اصیل او را دریابد. تنها عده بسیار کمی از موسیقی‌دانان متخصص رتبه استادی او را درمی‌یافتند. آذرمیدخت رکنی مدتی را نیز با آقای روانبخش، بزرگترین استاد تنبک‌نوازی و تصنیف‌خوانی زمان، کار کرد و نزد او ضربی‌ها را آموخت. ازدواج او در سنین اوایل جوانی و اهتمام به تربیت فرزندانش (که در حال حاضر در ایران و خارج، از اساتید دانشگاه هستند) او را از حضور در اجتماع به کلی منصرف کرد و در خلوت به تمرین مرتب و داشت. تمرین مرتبی که تا اوایل چهارمین دهه از عمر او ادامه یافت و با افزون شدن روح تشوُّع و تقیید مذهبی، کم‌کم قطع شد. کشف دوباره او در سال ۱۳۶۶ ش توسط سید علیرضا میرعلی‌نقی (متولد ۱۳۴۵ ش) انجام شد که سالهای زیادی را بی وقفه در جستجوی اسناد و آثار زندگی هنری استاد محجوبی بود. او موفق به انجام ضبط مصاحبه و تهیه بیوگرافی کامل از زندگی او و ضبط تنها اثر باقی مانده از نوازندگی بیانوش (آواز شور، سال ۱۳۵۲ ش) شد که تنها اسناد باقی مانده از زندگی هنری این بانوی مسلمان شیعه و هنرمند بی‌نظیر جامعه نسوان ایران است. رکنی موافقت نکرد که دوباره اقداماتی در معرفی او به جامعه انجام شود و حتی حاضر نشد متون موسیقایی مذهبی را که در مدح و ثنای آل علی (ع) بود، با بیانو همراهی کند. از این بانوی بزرگ هنر ایران، اشعاری باقی مانده است که در دسترس عموم نیست.

منبع: تحقیقات شخصی در سالهای ۱۳۶۶ تا ۱۳۶۸ در ارتباط با خانم آذرمیدخت رکنی. سید علیرضا میر علی نقی

**رکوع**، از ماده (رک ع) که به معنی مطلق انحناء و خمیدگی سر و خضوع می‌باشد، این معنا بر اساس استعمالات عرفی است که به مطلق خمیدگی رکوع می‌گویند، بدون در نظر گرفتن مقدار آن، حتی اگر به حد رکوع شرعی نرسیده باشد؛ لیکن در اصطلاح شرعی رکوع گونه‌ای از خمیدگی است که دارای حدود و شرایط و جایگاه معینی است، از این رو میان رکوع عرفی و رکوع شرعی از دیدگاه منطق عموم و خصوص وجه مشترکی است بدین گونه که هر رکوع شرعی، رکوع عرفی نیز شمرده می‌شود، اما هر رکوع عرفی بالضروره رکوع شرعی نمی‌تواند باشد. در لغت، شعر و ادبیات عرب و استعمالات کنایه‌ای و استعاره‌ای کلمه رکوع در چندین معنا آمده که به حقیقت و یا به مجاز دلالت بر معنای خمیدگی و تغییر حالت از استقامت به انحناء دارد. مثلاً عربهای دوره جاهلی مردان موحدی را که از پرستش تنها

ادامه داشت. در ۱۳۰۶ به هندوستان رفت و پس از بازگشت در سال ۱۳۰۷ از راه بوشهر و خوزستان به تهران سفر کرد. در تهران مدیر روزنامه «ایران آزاد» شد و در ۱۳۰۸ ش کتابخانه «آدمیت» را تأسیس کرد. در ۱۳۱۴ ش در وزارت دارایی مشغول به کار شد و در ۱۳۳۳ ش به کتابخانه مجلس شورای ملی رفت و در آنجا به نگارش فهرست کتب خطی کتابخانه پرداخت. در ۱۳۳۸ ش بازنشسته شد و سرانجام در آبان ماه ۱۳۵۲ ش در تهران درگذشت. آثار باقی مانده از وی عبارتند از: *دلیران تنگستانی* که کتابی است تاریخی درباره شرح وقایع جنگ‌های چریکی که هم‌زمان با جنگ جهانی اول در نواحی جنوبی ایران و اطراف بوشهر و تنگستان اتفاق افتاده است؛ *فارس و جنگ بین الملل*، کتابی است به گونه تاریخی داستانی از جنگ‌های جهانی اول؛ رساله *اغلاط مشهوره*؛ رساله *کلمات و اصطلاحات جدید*؛ *دانشمندان و سخن سربایان فارس* در چهار جلد؛ *منشآت آدمیت*؛ *منتخبیات ایرانشهر یا اصول آدمیت*؛ *دیوان اشعار* این آثار غالباً چاپ و منتشر شده‌اند.

منابع: *فارسنامه ناصری*، ۱۳۱۱؛ *از نیما تا روزگار ما*، ۲۳۰/۳؛ *نهضت روحانیون ایران*، ۴۷/۱؛ *شیراز در گذشته و حال*، ۴۲۷؛ *فرهنگ داستان نویسان*، ۸۶؛ *انجمنهای ادبی شیراز*، ۳۸۰. فرح نیازکار

**رکنی**، آذرمیدخت (متولد ۱۲۹۶ ش)، موسیقی‌دان، و اولین بانوی بیان‌نویس ایرانی تبار شیعی است. وی فرزند ملک منصور میرزا شعاع السلطنه (فرزند مظفرالدین‌شاه) والی فارس بود. در کودکی پدرش را از دست داد و زیر نظر مادرش که در عین تقیید به تشوُّع، موسیقی اصیل را نیز نیک می‌شناخت، با موسیقی ایرانی آشنا شد. منزل پدر او جایگاه موسیقی‌دانان بزرگ زمان قاجار بود و خود او، در کودکی با شنیدن صفحات گرامافون که از ساز و آواز اساتید بزرگ آن زمان پر شده بود به موسیقی علاقه یافت و توانست با آرگ دستی بزرگی که در خانه‌های اعیانی آن زمان یافت می‌شد، قطعاتی را بنوازد. مادرش استعداد او را دریافت و استاد بزرگ و منحصر به فرد فن نوازندگی بیانو در موسیقی اصیل ایرانی؛ مرتضی محجوبی (۱۲۷۹ - ۱۳۴۴ ش) را برای تعلیم به فرزندش فرا خواند. آذرمیدخت رکنی، شش سال نزد مرتضی محجوبی تعلیم بیانو دید و با دستگاهها، آوازاها، پیش درآمدها، چهار مضرابها و برخی رنگها آشنا شد. در بین صدها شاگرد با استعداد در محضر مرتضی خان، اعم از ذکور یا اناث، وی بهترین و توانمندترین نوازنده‌ای شد که از زیر دست او بیرون آمد. اما رواج تدریجی هرج و مرج هنری و ابتدال فراگیر در محیط زندگی و اماکن هنری، او را

## BİR DİNİ TECRÜBENİN İFADE SİMGESİ: RÜKÛ

Abdurrahman KASAPOĞLU\*

### Özet

Dinler simgesel eylemleri ilk çağlardan bu güne kadar kullanmışlardır. İslam dini de müminlerden belli sembolleri kullanmalarını istemiştir. Bunlardan birisi, namaz ibadetinin parçalarından “rükû” dur. Kur’an’a göre rükû, ilahi buyruklara saygı göstermeyi sembolize eder. Bu sembol anlamının yanında Kur’an’da rükû kavramı ilahi değerlere uyma anlamını da içerir.

Anahtar Kelimeler: **Rükû; İbadet, Dini Sembol, Dini Tecrübe.**

### Summary

Rükû as a Symbol of Religious Experience

Symbolic actions were used since old ages in religions. Islam wants to use certain symbols from believers. One of them is rükû from parts of ritual worship. According Qur’an rükû symbolizes showing respect to divine commands. In addition to meaning of it’s symbol, in Qur’an the concept of rükû includes the meaning of obeying to divine commands.

**Key Words:** Rükû, Ritual, Religious Symbol, Religious Experience.

### Giriş

**R**ükû, bir ibadet formudur. İbadet formları tanrılı/tanrısız bütün dinlerde kullanılan dini davranışlardır. Kur’an’daki “rükû” sembolünü anlatmaya geçmeden önce, insanlığın dinî kültüründe, dinî davranışların yerini, önemini ve neyi ifade ettiğini değerlendirmek lazımdır. Yine, bir Kur’an kavramı olan “rükû”yu iyi algılayabilmek için, kavramın Arapça’daki kullanım alanını, kelimenin kök anlamını, bu anlam ile Kur’an’da kullanıldığı anlam arasındaki uyumu belirlemek gerekir. İnsan-insana ilişkide kullanılan, rükûya benzer beden dili simgeleri de, bu tür simgeler aracılığıyla ifade edilmek istenen anlamlar hakkında insana fikir verirler. Dinî sembol olarak kullanılan rükû davranışıyla,

\* Yrd. Doç. Dr., İnönü Üniversitesi İlahiyat Fakültesi Öğretim Üyesi.

## Bibliography

D. Amram, Divorce, in *Encyclopaedia Judaica*, 17 vols., Jerusalem 1971-2, iv, 624-8; B. Carra de Vaux/J. Schacht and A.-M. Goichon, Hadd, in *ER*, iii, 20-2; L. Dembitz, Fines and forfeiture, in *Encyclopaedia Judaica*, 17 vols., Jerusalem 1971-2, v, 386-7; id., Punishment, in *Encyclopaedia Judaica*, 17 vols., Jerusalem 1971-2, x, 273; G.R. Hawting, The significance of the slogan *lā ḥukma illā lillāh* and the references to the *ḥudūd* in the traditions about the Fitna and the murder of 'Uthmān, in *BSOAS* 61 (1978), 453-63; H. Hirschfeld, Fasting and fast days, in *Encyclopaedia Judaica*, 17 vols., Jerusalem 1971-2, v, 347-9; B. Johansen, Eigentum, Familie und Obrigkeit im Hanafitischen Strafrecht, in *wi* 19 (1979), 38-46; R. Peters, The Islamization of criminal law. A comparative analysis, in *wi* 34 (1994), 246-53; F. Rahman, The concept of *hadd* in Islamic law, in *Islamic studies. Journal of the Central Institute of Islamic Research, Karachi*, 4 (1965), 237-51; J. Schacht, *An introduction to Islamic law*, Oxford 1964, chap. 24; id., *The origins of Muhammadan jurisprudence*, Oxford 1950, 191, 208-10; Wansborough, *QS* 177.

Bovines see ANIMAL LIFE

## Bowling and Prostration

Bowing, an inclination of the head or a bending of the body in reverence; prostration, reclining with the face on the ground in humble adoration (q.v.). The two fundamental gestures of the ritual prayer, bowing (*rukū'*) and the more frequent prostration (*sujūd*) are mentioned numerous times in the Qur'an.

Many qur'anic passages that refer to bowing (Q 2:43; 5:55; 77:48) and prostration (Q 4:102; 15:98; 25:64; 26:219; 50:40; 76:26; 96:19) allude to prayer (q.v.) and devotion in general. Other verses mention the two gestures together (Q 2:125; 3:43; 9:112; 22:26; 22:77; 48:29), again evidently referring to prayer. The Qur'an does not always seem to make a clear distinction between the two terms. One such verse (Q 38:24)

states that David (q.v.) fell down bowing (*rākī'an*) in repentance but in this instance the act was actually a prostration. In contrast, in those verses describing the command given to the Israelites (see CHILDREN OF ISRAEL) to enter the door "prostrating themselves" (*sujūdan*, Q 2:58; 4:154; 7:161), the act was most probably a bow.

Prostration is much more frequently cited in the Qur'an than bowing. The use of the root *sajada* in the Qur'an underlines the relevance of prostration to God in Muslim devotion and at the same time reflects the reactions of people during the time of Muḥammad when this act was prescribed. The Qur'an attests that prostration met strong opposition among Arabs (Q 25:60; cf. 68:42-3) and that pride (q.v.) was the cause of this opposition (Q 7:206; 16:49; 32:15; see ARROGANCE). Later traditions describe the haughty behavior of the pagans and their attempts to harass Muḥammad and the Muslims when they were prostrating themselves (see OPPOSITION TO MUḤAMMAD). On the other hand, various other verses stress the importance of prostration for the believer (Q 39:9; cf. 3:113) and that it should be addressed to God only and not to the sun (q.v.) or moon (q.v.; Q 41:37). The true believer should also prostrate himself at the recitation of the Qur'an (q.v.; Q 17:107; 19:58; 32:15; 84:21). Moreover, all the creatures in heaven or on earth, as a sign of their devotion to the creator, perform this act directly or by means of their shadows (Q 7:206; 13:15; 16:48-9; 22:18; 55:6). Finally, another verse (Q 48:29) refers to the mark of prostration (*athar al-sujūd*) that in later traditions came to indicate the mark or callous left on the forehead of the believer who performs many prostrations.

Prostration also occurs in several other verses relating to the narrative parts of the Qur'an. The people of Sheba (q.v.) used to

prostrate themselves to the sun instead of to God (Q 27:24-5). The magicians gathered by Pharaoh (q.v.) fell down prostrate and proclaimed their faith in God when Moses (q.v.) defeated them (Q 7:120; 20:70; 26:46). Joseph's (q.v.) parents and brothers fell down prostrate before him in Egypt (Q 12:100; cf. 12:4) and the angels prostrated themselves to Adam after his creation whereas Iblīs (q.v.) refused to do so (Q 2:34; 7:11-2; 15:29-33; 17:61; 18:50; 20:116; 38:72-5; see ANGEL; ADAM AND EVE). Given the strict Muslim prohibition against prostration to anything other than God (see IDOLS AND IMAGES; IDOLATRY AND IDOLATERS; POLYTHEISM AND ATHEISM), these last two episodes were problematic for commentators on the Qur'an and exegetes have written many pages trying to account for these prostrations. Both bowing and prostration were widely diffused acts throughout the Middle East, especially in Jewish and Christian communities (see JEWS AND JUDAISM; CHRISTIANS AND CHRISTIANITY). They were also well-known to Arabs (q.v.) prior to the preaching of Muḥammad, as is attested in pre-Islamic poetry (see PRE-ISLAMIC ARABIA AND THE QUR'AN). The Qur'an particularly establishes the centrality of prostration to Muslim devotion and displays various attitudes, which were later expanded in Muslim literature.

Roberto Tottoli

## Bibliography

Primary: 'Abd al-Razzāq, *Tafsīr*, i, 328; Ibn al-'Arabi, *Ahkām*, ii, 368-73; Ibn Kathīr, *Bidāya*, i, 196; Khāzin, *Lubāb*, vii, 137-40; Māturīdī, *Ta'wīlāt*, ed. M.M. al-Rahmān, Baghdad 1983, 94-100; Muqātil, *Tafsīr*, ii, 351; iv, 640, 794; Tabarī, *Tafsīr*, Cairo 1968, xxvi, 110-1. Secondary: M.J. Kister, Some reports concerning al-Tā'if, in *JSAI* 1 (1979), 3-6; G. Monnot, Šalāt, in *ER*, viii, 925-34; Speyer, *Erzählungen*, 34-8; R. Tottoli, Muslim attitudes towards prostration (*sujūd*). I: Arabs and prostration at the beginning

of Islam and in the Qur'an, in *SI* 88 (1998), 5-34; id., Traditions and controversies concerning the *suḡūd al-Qur'an* in *ḥadīṡ* literature, in *ZDMG* 147 (1997), 371-93; A.J. Wensinck, *Muhammad and the Jews of Medina*, trans. and ed. W.H. Behn, Berlin 1982, 75-6; id., Šalāt, in *ER*, iv, 96-105.

## Bread

An article of food made from flour or meal by moistening, kneading and baking. The word "bread" (*ḥubz*) occurs only once in the Qur'an, in the story of the prophet Joseph (q.v.) in the twelfth sūra. The wife of Potiphar (in the Qur'an Potiphar is called 'azīz, "powerful," that is, one holding a powerful position [cf. Q 12:30, 51, 78, 88]), on failing to persuade Joseph to sleep with her, carries out her threat to him and he is thrown into prison. Two young fellow-prisoners ask Joseph to interpret their dreams. One of them (whom the commentators on the Qur'an, accepting the Biblical account in *Gen* 40:2, identify as the Egyptian king's baker) relates his dream in these words: "I see myself carrying on my head bread, and birds are eating of it." Joseph interprets the dream by saying that the young man "will be crucified and birds will eat of his head" (Q 12:41; see CRUCIFIXION). In this interpretation, "bread" comes to have the ominous signification of "feed," the prisoner in question being fated to "play host" to predatory birds.

This use of the word "bread" in the verse carries ironic connotations. First, the same life-sustaining bread he used to bake becomes the bread of death, foreboding the death of none other than the baker himself. A second, related point may be made in light of al-Ṭabarī's (d. 310/923) suggestion (*Tafsīr*, xii, 129; also Qurṭubī, *Jāmi'*, ix, 191) that the Egyptian king (see PHARAOH), when he intended to kill someone, used to



Diyanet Vakfı  
Kütüphanesi

# جَلَاءُ الْعَيْنَيْنِ

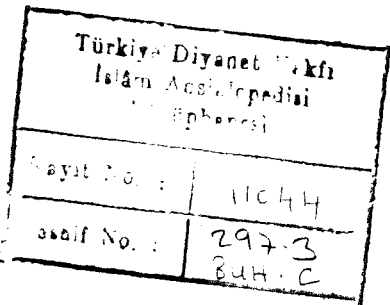
بتَخْرِيجِ رَوَايَاتِ الْبُخَارِيِّ  
فِي جُزْءِ رَفْعِ الْيَدَيْنِ

Rükû

للإمام  
شيخ الإسلام والمسلمين  
وإمام الحفاظ والمحدثين  
أبي عبد الله محمد بن اسماعيل البخاري  
١٩٤ - ٢٥٦ هـ

صنّفه

العلامة أبي محمد بدیع الدین شاه الراشدی السندی



مؤسسة الكتب الثقافية

RÜKÜ (الرُّكُوعُ)

\* الإِمْتَاكُ بِالرُّكْبِ فِي الرُّكُوعِ -

نس - ك ١٢ ب ٤

\* الأَعْتِدَالُ فِي الرُّكُوعِ وَالْأَمْرُ

بِإِتْمَامِهِ -

نس - ك ١٢ ب ١٧ و ٧

01 EKİM 1994

WENSINCK AREN JEAN, MİFTAHU KÜNUZÜ's-SÜNNE,

Trc: ABDÜLBAKİ MUHAMMED FUAD, BEYRUT 1983. ss . 211 DİA DM NO: 04160.

KISALTMALAR:

بخ = صحيح البخاري، مس = صحيح مسلم، بد = سنن أبي داود، تر = سنن الترمذي، نس = سنن النسائي، مج = سنن ابن ماجه، مي = سنن  
الدارمي، ما = موطأ مالك، ز = مسند زيد بن علي، عد = طبقات ابن سعد، حم = مسند احمد بن حنبل، ط = مسند الطيالسي، هش = سيرة ابن  
هشام، قد = مغازي الواقدي



RÜEN'

• كَيْفَ يَكُونُ الرَّكُوعُ -

بد - ك ٢ ب ١٣٦

7661

EX 1983

WENSINCK AREN JEAN, MİFTAHU KÜNUZÜ's-SÜNNE,

Trc: ABDÜLBAKİ MUHAMMED FUAD, BEYRUT 1983. ss . 279 DIA DM NO: 04160.

KISALTMALAR:

بخ= صحيح البخاري، مس= صحيح مسلم، بد= سنن أبي داود، تر= سنن الترمذي، نس= سنن النسائي، مج= سنن ابن ماجه، مى= سنن  
الدارمي، ما= موطأ مالك، ز= مسند زيد بن علي، عد= طبقات ابن سعد، حم= مسند احمد بن حنبل، ط= مسند الطيالسي، هش= سيرة ابن  
هشام، قد= مغازي الواقدي

## ركوع:

- ١ - تعريف: الركوع هو الانحناء حتى تنال يدا الركاع ركبتيه.
- ٢ - الركوع في الصلاة:
  - أ - حكمه: الركوع في الصلاة ركن من أركانها، لا تصح الصلاة إلا به، لقوله تعالى في سورة الحج/ ٧٧ ﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَرْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَأَفْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾.
  - ب - كيفيته: إذا أراد الركوع في الصلاة كبر، ثم حنى جذعه حتى تنال يده ركبتيه، باسطاً ظهره وجاعلاً عنقه على مستوى ظهره، فإن كان يصلي جالساً فإن ركوعه يكون بمثل جذعه قليلاً إلى الأمام، وإن كان عاجزاً عن ذلك، أو كان يصلي مستلقياً فإنه ركوعه يكون بإطباق جفنيه قليلاً.
  - ج - مقدره، والذكر فيه: يكون الركوع بمقدار ما يقول الركاع: «سبحان ربي العظيم وبحمده» ثلاث مرات، وهي الطمأنينة، ويجوز أن يجعل التسيبحات خمساً أو سبعمائة، ويجوز للمصلي أن يطيل الركوع أكثر من ذلك، ليلحق المسبوق الركعة، بشرط عدم محاباة الداخل في ذلك.
  - د - احتساب الركعة بإدراك الركوع: إذا أدرك المسبوق الركوع مع الإمام فقد أدرك الركعة، ويكون مدركاً للركعة إذا كمل انحناءه فيها وسبح تسيبحة واحدة على الأقل.
- ٣ - الركوع للمخلوق:
  - أ - التذلل بحني الظهر للعظماء والعلماء وغيرهم بشكل لا يصل إلى حد الركوع مكروه، وإذا وصل إلى حد الركوع فهو محرّم.
  - ب - وإذا أكره على الركوع لغير الله تعالى بحيث إنه لو لم يفعل لأفضى ذلك إلى ضربه أو حسسه أو إهانته، أو تسريحه من عمله، جاز له أن يركع، ولو نوى في ركوعه هذا أنه يركع لله تعالى فقد أحسن.